

بیانیه‌ی سیاسی زنان افغانستان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی

سال: ۱۳۹۶

بیانیهی سیاسی زنان افغانستان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی

سال ۱۳۹۶

شناسنامه

نام اثر:	بیانیه‌ی سیاسی زنان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی
ناشر:	نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال
تمویل کننده:	بنیاد هاینرش بل (HBS)
سال چاپ:	۱۳۹۶
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ:	اول
شماره‌ی تماس:	۰۷۰۰۶۴۹۱۹۱
وبسایت:	www.wclrf.org.af
ایمیل آدرس:	wclrf@yahoo.com
نشانی دفتر:	خانه‌ی شماره ۴۳۲، دهنو، دهبوری، سرک پنجم، کابل - افغانستان

قدردانی

رساله‌ی حاضر نتیجه‌ی تلاش و زحمات کسانی است که مسوولانه رسالت مدنی خویش را درست و به موقع انجام داده اند. نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال از افراد و نهادهایی که در تدوین این بیانیه، ما را همکاری کرده اند، به ویژه بنیاد هاینرش بلُ به خاطر حمایت مالی از این برنامه، اعضای شورای عالی صلح، نهادهای مدافع حقوق زنان، زنان در سطح محلات، اعضای «کمیته‌ی دادخواهی افزایش مشارکت زنان در روند صلح» و همه کسانی که وقت گذاشته در گفتگوها و بحث‌ها اشتراک کرده اند، سپاس‌گزاری می‌کند.

هم‌چنان از بانو سمیرا حمیدی که در تهیه‌ی این بیانیه‌ی سیاسی ما را یاری رسانیده است نیز، اظهار امتنان می‌نماید. در نهایت از زحمات و تلاش‌های سازنده‌ی محمد علی فکور و سایر همکاران نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال که در به فرجام رساندن این رساله همکاری نمودند، صمیمانه قدردانی می‌نماید. بدون شک، تدوین بیانیه‌ی سیاسی زنان افغانستان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی، بدون حمایت و تلاش‌های بی‌دریغ اشخاص یاد شده، نمی‌توانست غنماندی کنونی را داشته باشد.

زرقا یفتلی، رییس نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

در مورد نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال یکی از نهادهای پیشتاز در زمینه‌ی دادخواهی برای دفاع از حقوق زنان و اطفال در افغانستان است. این نهاد از زمان ایجادش در سال ۲۰۰۳ میلادی تا کنون، تلاش نموده است تا از طریق پژوهش، مستندسازی، دادخواهی و آگاهی عامه، به توانمندی زنان و کودکان و تامین حقوق آنها کمک نماید.

هدف این نهاد تحقق عدالت اجتماعی و نهادینه‌سازی حقوق بشری زنان و کودکان در کشور است. مقاصد اساسی نهاد عبارت اند از:

۱. مبارزه در برابر خشونت بر زنان و دختران؛
 ۲. کار در راستای تغییر نگرش‌ها و رفتارهای خشونت‌بار؛
 ۳. دادخواهی برای حمایت از حقوق زنان و کودکان؛
 ۴. بلندبردن ظرفیت و آگاه‌سازی رهبران محلی برای حمایت از ماموریت نهاد؛
 ۵. و توانمندسازی و ارتقاء ظرفیت بانوان در پیوند با حقوق اساسی شان.
- این نهاد از زمان تاسیس تا کنون، بیش از ۴۰ برنامه‌ی مختلف را در راستای دستیابی به اهداف و مقاصدش اجرا نموده است. فعالیت‌های نهاد بیشتر در زمینه‌های پژوهش، دادخواهی و ظرفیت پروری تمرکز دارد.

بنیاد هاینرش بُل (HBS)

بنیاد هاینرش بُل یک بنیاد آلمانی و بخشی از جنبش سیاسی سبز است. این بنیاد برای تقویت دموکراسی، حقوق بشر و تامین عدالت فعالیت نموده و اساساً روی دموکراسی مبتنی بر جنسیت یعنی آزادی اجتماعی و تساوی حقوق مرد و زن تاکید می‌نماید. بنیاد هاینرش بُل متعهد به تساوی حقوق برای اقلیت‌های قومی و فرهنگی بوده و علاوه بر آن، پالیسی‌های ضد خشونت و صلح‌جویانه را ترویج و توسعه می‌دهد. بنیاد هاینرش بُل فعالیت‌های خویش را از سال ۲۰۰۳ بدین سو در افغانستان آغاز نموده و اکنون فعالیت‌های این بنیاد روی موضوعات چون دموکراسی و هم‌چنین برنامه‌های برقراری صلح و تامین امنیت متمرکز می‌باشد. برای معلومات بیشتر در مورد فعالیت‌ها و همکاران این بنیاد در افغانستان، لطف نموده به وب سایت (www.boell.org.af) مراجعه نمایید و یا برای ارتباط با ما به این نشانی (af@boell.org) ایمیل بفرستید.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	هدف از تدوین این بیانیه
۳	روش تدوین بیانیه
۴	یافته‌ها
۴	بخش نخست: مشارکت زنان در روند صلح
۷	بخش دوم: حضور زنان در نهادهای امنیتی
۸	بخش سوم: مشارکت سیاسی زنان
۱۰	جمع‌بندی
۱۲	پیشنهادات
۱۲	۱. پیشنهادات به حکومت وحدت ملی
۱۴	۲- پیشنهادات به جامعه‌ی بین‌المللی

مقدمه

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در سال ۲۰۱۵ پژوهشی را در زمینه‌ی مشارکت زنان در روند صلح^۱ در افغانستان انجام داد. در این پژوهش، شماری از چالش‌های اساسی در زمینه‌ی مشارکت زنان در روند صلح و عوامل بازدارنده مشارکت سیاسی زنان را در این روند، شناسایی و معرفی کرده است. هم‌چنان این پژوهش برای برون‌رفت از این معضل و نیز افزایش مشارکت سیاسی زنان در روند صلح، راه حل‌ها و پیشنهادهاتی را به دولت و نهادهای بین‌المللی مطرح کرده است.

علاوه بر این، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در سال ۲۰۱۶ رهنمودی را در زمینه‌ی نقش زنان در روند صلح تهیه کرده و بر مبنای یافته‌های این رهنمود، راهکارهای مشخصی را برای افزایش نقش زنان در روند صلح تدوین نمود^۲. در کنار این فعالیت‌ها، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال «کمیته‌ی دادخواهی برای مشارکت زنان در روند صلح» را با عضویت بیست نهاد مدنی ایجاد نمود تا این کمیته برای تحقق پیشنهادات مطرح شده در پژوهش و رهنمود نهاد، دادخواهی کند. هم‌چنان به دنبال تهیه رهنمود، نهاد بر آن شد تا بیانیه‌ی سیاسی زنان افغانستان را در رابطه به صلح، امنیت و مشارکت سیاسی زنان تدوین نماید که هدف این بیانیه، شناسایی و بررسی چالش‌ها و اراییه‌ی پیشنهادات مشخص برای حل این معضل است.

پس از سقوط رژیم طالبان و ایجاد دولت جدید در افغانستان، با آن‌که مشارکت سیاسی زنان در فرایند دولت‌داری، یکی از اولویت‌های تشکیل نظام سیاسی

1 <http://wclrf.org.af/womens-participation-in-peace-process/>

2 <http://wclrf.org.af/projects-2/research/2016-2/guideline-engendering-the-peace-process-through-the-meaningful-engagement-of-women/>

کشور و همکاران بین‌المللی افغانستان بود، اما با گذشت بیش از یک و نیم دهه کار در این زمینه، هنوز مشارکت سیاسی زنان در افغانستان پایدار نیست. به‌رغم این‌که زنان در کابینه‌ی حکومت وحدت ملی حضور دارند، اما صدای شان برای تأمین تساوی جنسیتی به مشکل شنیده می‌شود. بیش از ۲۵ درصد اعضای پارلمان کنونی افغانستان را زنان تشکیل می‌دهند، اما مطالبات شان در پیوند به حقوق زنان جدی گرفته نمی‌شود. بنابر این، ایجاب می‌کند که برای نمایندگی موثر از حقوق زنان و مطالبات آنان، این نمایندگان و نمایندگانی که در پارلمان آینده راه می‌یابند، باید بیشتر توانمند شوند تا بتوانند از نصف نفوس کشور نمایندگی فعال کنند.

همین‌گونه بدتر شدن وضعیت امنیتی در افغانستان، حضور کم‌رنگ زنان در حکومت‌های محلی و عدم حمایت و حفاظت از زنان شاغل، بخشی از چالش‌هایی است که روند مشارکت سیاسی زنان در افغانستان را متاثر می‌سازد. یافته‌های یک بررسی از حضور زنان در نهادهای امنیتی، نشان می‌دهد که تنها دو درصد از کارمندان این نهادها را زنان تشکیل می‌دهند. برعلاوه، زنان در این نهادها به سمت‌های رهبری و تصمیم‌گیری گماشته نمی‌شوند. زنان به مشکلات متعدد از جمله تبعیض، خشونت و آزار و اذیت جنسی مواجه بوده و در فضایی کار می‌کنند که امکان سهم‌گیری آن‌ها را به حد اقل می‌رساند.^۳

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، با تدوین بیانیه‌ی سیاسی زنان افغانستان در باره صلح، امنیت و مشارکت سیاسی، چالش‌های عمده فرا راه زنان را بیشتر مورد بررسی قرار داده و فهرستی از پیشنهادات کلیدی را نیز به حکومت افغانستان و کارگزاران ذیربط در سطح بین‌المللی، پیشکش می‌نمایند.

هدف از تدوین این بیانیه

این بیانیه نظریات، توقعات، نگرانی‌ها و پیشنهادات زنان افغانستان در رابطه به مشارکت سیاسی زنان، نقش آن‌ها در نهادهای امنیتی و مشارکت آن‌ها در روند صلح را بیان می‌کند. افزون بر آن، این بیانیه اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- تلاش و دادخواهی برای رساندن پیشنهادات زنان به گوش رهبران سیاسی کشور و نهادهای بین‌المللی؛
- تقویت جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان و ایجاد هماهنگی میان تمام اقشار جامعه برای تفاهم در دستیابی به این هدف؛
- فراهم‌سازی زمینه برای تشریک مساعی و اطلاعات میان نهادهایی که برنامه‌های دادخواهی بر محور حقوق زنان را رهبری می‌کنند.

روش تدوین بیانیه

برای تدوین این سند، مطالعات کتابخانه‌یی گسترده صورت گرفته و تحقیقاتی که قبلاً در زمینه‌ی مشارکت سیاسی زنان، مشارکت زنان در روند صلح، و نقش آنان در نظام امنیتی انجام شده، مورد بررسی قرار گرفته است. همین‌گونه از سایر اسناد تهیه شده به وسیله‌ی نهاد، به ویژه رهنمود مشارکت زنان در روند صلح، در این بیانیه استفاده شده است.

به همین ترتیب با تعدادی از نهادهای فعال در حوزه‌ی حقوق زنان، زنان عضو شورای عالی صلح و زنانی که رهبری اجتماعات را در مناطق مختلف به عهده داشتند، گفتگو صورت گرفته است. نظریات و موضوعات منعکس شده در این سند به صورت کامل برگرفته از یافته‌های پژوهش‌ها، رهنمود، بحث‌های متمرکز گروهی و مصاحبه‌هایی است که در این رابطه انجام شده است.

یافته‌ها

بخش نخست: مشارکت زنان در روند صلح

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال یکی از نهادهای فعال در زمینه‌ی دادخواهی برای افزایش مشارکت زنان در روند صلح، بر مبنای ظرفیت، توانایی و مساوات است. نهاد با همکاری کمیته‌ی دادخواهی برای افزایش مشارکت زنان در روند صلح، به صورت پیوسته از جریان‌ات مرتبط به مشارکت زنان در روند صلح نظارت کرده و خواهان تغییرات در سطوح رهبری شورای عالی صلح و کمیته‌های ولایتی صلح به نفع زنان شده است. حضور کم‌رنگ زنان در روند صلح و نادیده گرفتن نقش آن‌ها یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های فعالان حقوق زن، به ویژه نهاد و کمیته‌ی دادخواهی بوده است. نهاد از تغییرات اخیر در ترکیب اعضای شورای عالی صلح و افزایش حضور زنان در این نهاد، استقبال می‌کند. لازم به تذکر است که شماری از زنان تازه شامل شده در ترکیب این شورا از میان فهرستی است که توسط نهاد تهیه گردیده و با شورای عالی صلح شریک ساخته شده بود. برعلاوه، حضور یک زن به عنوان معاون و چهار زن در کمیته‌ی اجرایی‌ی این شورا که عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری آن به شمار می‌رود امیدوار کننده است. اما هنوز هم چالش‌های جدی در زمینه‌ی حضور زنان در روند صلح وجود دارد که در جریان تهیه‌ی این بیانیه، شناسایی گردیده اند.

اول) برخورد سیاسی و دوگانه

شماری از زنان عضو در شورای عالی صلح، از آن جهت که از نشانی جناح‌های مختلف سیاسی معرفی شده اند، با برخورد دوگانه مواجه می‌شوند. در ترکیب این شورا عمدتاً مردان از گروه‌های سیاسی و سران قبایل حضور دارند که برخی از آن‌ها اعضای پیشین گروه طالبان بوده و باورمند به مساوات و حقوق زن نیستند که این امر سبب شده است، تا حضور زنان و تاثیرگذاری

صدا‌های آن‌ها را خیلی کم‌رنگ سازد. علاوه بر کمیت اندک زنان در ساختار شورای عالی صلح، از آنجایی که شماری از آن‌ها از سوی نهادهای جامعه‌ی مدنی و تعدادی هم توسط گروه‌های سیاسی معرفی شده‌اند، هماهنگی لازم میان شان وجود نداشته و از این سبب رهبری شورا در بسا موارد، نظریات و خواسته‌های زنان را جدی نگرفته و به آن توجهی نمی‌نماید. این چالش از یک طرف روحیه‌ی همکاری در بین اعضا را تضعیف ساخته و از سوی دیگر به کیفیت کار شورا آسیب رسانده است.

دوم) موجودیت تبعیض جنسیتی

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که افغانستان کشور سنتی است و دیدگاه‌های حقارت‌آمیز نسبت به زنان در تمام سطوح و لایه‌های آن موجود است و شورای عالی صلح نیز از این اصل مستثنا نمی‌باشد. یافته‌های این بیانیه نشان می‌دهد که دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز در میان مردان عضو شورای عالی صلح وجود داشته و آن‌ها تعریف مردانه از صلح و جنگ دارند که بر حاشیه‌راندن زنان و دیدگاه‌های شان منجر می‌شود. این تلقی باعث شده است که نقش زنان در روند صلح زاید و غیر ضروری به حساب آید.

سوم) عدم تطبیق کامل استراتژی شورا

درحالی‌که در استراتژی شورای عالی صلح بر سهم‌سازی ۳۰ درصدی زنان در ساختار مرکزی و کمیته‌های ولایتی صلح تاکید شده است، اما حتا تغییرات جدید در ساختار آن نیز بازتاب دهنده‌ی این اصل نیست. با تمام تلاش‌ها و دادخواهی‌ها، حضور زنان اکنون در ترکیب شورا ۲۱ درصد است و در کمیته‌های ولایتی صلح نیز آمار مشخصی از درصدی حضور زنان موجود نیست. برعلاوه، حکومت وحدت ملی، به ویژه وزارت امور خارجه و شورای عالی صلح در تطبیق پلان عمل ملی برای تطبیق قطعنامه‌ی ۱۳۲۵ نیز نسبتاً ناکام بوده‌اند. پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت دارای ارکانی

چون (مشارکت، محافظت، جلوگیری و رفاه و بهبود) است. این ارکان به هدف تقویت و مشارکت زنان در خدمات ملکی، افزایش دسترسی زنان به عدالت، تقویت نقش زنان در نهادهای امنیتی و افزایش مصونیت اقتصادی زنان، مطرح شده است که چالش‌های حاضر نمایان‌گر عملی نشدن آن‌ها می‌باشد.

چهارم) مشارکت ضعیف

اشتراک‌کنندگان بحث‌های گروهی به این باور اند که هنوز هم زنان در این شورا از قدرت تصمیم‌گیری برخوردار نبوده و نقش نمادین دارند. اکثریت تصامیم در کمیته‌ی اجرایی این شورا توسط مردان گرفته شده و بالای اعضای زن این شورا تحمیل می‌گردد. برعلاوه، نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنان عضو شورای عالی صلح، از بعضی مجالس ترتیب شده راجع به روند صلح افغانستان بی‌خبر بوده‌اند و در جریان گذاشته نشده‌اند. آن‌ها از این مجالس نه اطلاعی داشتند و نه هم به این جلسات دعوت شده بودند که این وضعیت نمایانگر مشارکت ضعیف زنان در روند صلح است.

پنجم) اختلاف نظر در تصامیم و موضع‌گیری‌ها

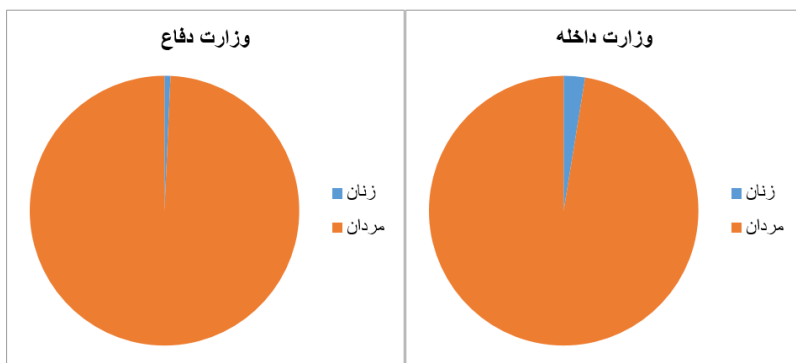
به دلیل ترکیب چند جناحی شورا، اعضای آن در تصامیم و موضع‌گیری‌های اساسی شان در رابطه به منازعات، صلح و مشارکت معنادار زنان در روند صلح، دیدگاه متفاوت دارند که در کیفیت تصمیم‌گیری و اتحاد نظر اعضای شورا تاثیر منفی می‌گذارد. به طور مثال، با توجه به این‌که استراتژی شورای عالی صلح به صورت واضح از ایجاد یک تشکیل جداگانه به نام «بورد مشورتی زنان» به اشتراک زنان خارج از شورای عالی صلح نام می‌برد، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلاف نظر میان اعضای این شورا سبب شده است که تا اکنون این بورد ایجاد نشود.

هم‌چنان همکاری و هماهنگی میان اعضای شورای عالی صلح و زنان در سطح شهر و روستا وجود ندارد و این باعث شده است که اکثریت زنان از مناطق مختلف از موجودیت نهادی به نام شورای عالی صلح و کمیته‌های ولایتی آن اطلاعی نداشته باشند.

بخش دوم: حضور زنان در نهادهای امنیتی

بررسی‌های انجام شده از حضور زنان در نهادهای امنیتی، نشان می‌دهد که تنها دو درصد از نیروهای امنیتی کشور را زنان تشکیل می‌دهند. از مجموع ۱۹۵۰۰۰ نیروهای دفاعی ۱۴۰۰ آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و به همین ترتیب از ۱۵۰۰۰۰ نیروی پولیس تنها ۳۳۲۶ تن آن زنان است. هم‌چنان از حضور زنان در ریاست امنیت ملی، هنوز آمار رسمی بیرون داده نشده است، اما در مقایسه به حضور زنان در وزارت‌های دفاع و داخله، پیداست که درصد حضور زنان در این نهاد هم بیش از درصد حضورشان در دو وزارت یاد شده نخواهد بود.^۴

براساس نظریات اشتراک‌کنندگان در بحث‌های گروهی، بزرگترین انگیزه‌ی حضور زنان در نهادهای امنیتی را نیازهای مالی آن‌ها تشکیل می‌دهد و معمولاً آن‌ها در نبود دیگر فرصت‌های شغلی در نهادهای دولتی، کار در نیروهای امنیتی را برای امرار معیشت قبول می‌کنند. هم‌چنان استخدام زنان در نیروهای امنیتی در مقایسه با استخدام مردان با توجه به حساسیت‌های فرهنگی کشور در سطح پایین قرار دارد.



در کنار موارد یاد شده، موارد زیر نیز به عنوان چالش‌های فراراه حضور زنان در نهاد های امنیتی شناسایی شده اند:

اول) فرصت‌ها و امکانات اندک برای زنان

نبود فرصت‌ها و امکانات مناسب برای زنان، سبب شده است که بر شمار و حضور آن‌ها در نهادهای امنیتی تاثیر منفی بگذارد. براساس یافته‌های بحث‌های گروهی در این بیانیه، زنان در بسا موارد به امکانات چون اتاق‌های تبدیل لباس، تشناب‌های جداگانه، کودکستان و ترانسپورت مطمین دسترسی ندارند. این وضعیت نشان‌دهنده‌ی تبعیض سیستماتیک در توزیع فرصت‌ها برای کارمندان نهادهای امنیتی است. هم‌چنان از نظر مسلکی زنان در بخش امنیتی هنوز هم به وظایف مسلکی گماشته نمی‌شوند و بیشتر از آن‌ها برای کارهای حاشیه‌یی و دون‌رتبه استفاده می‌شوند.

دوم) آزار و اذیت جنسی

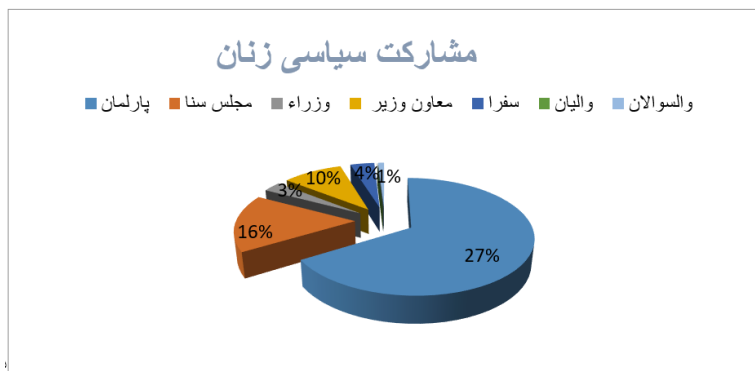
گزارش‌های متعدد از خشونت جنسی، به ویژه آزار و اذیت جنسی در برابر زنان در نهادهای امنیتی و دفاعی وجود دارد که وجود این مساله در نهادهای دفاعی و امنیتی، یکی از نگرانی‌های جدی زنان و خانواده‌ها به شمار می‌رود. وجود این چالش در شماری از نهادهای امنیتی، منجر به بی‌اعتمادی خانواده‌ها و زنان به حضور در این بخشی از حکومت شده است. همین‌گونه برخلاف مردان، شماری از زنان باید سال‌های زیادی برای منظور شدن ترفیع شان منتظر بمانند و به همین دلیل است که تعداد زنان در پست‌های بلند نهادهای امنیتی، بسیار اندک است.

بخش سوم: مشارکت سیاسی زنان

با آن‌که مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی افغانستان تضمین گردیده

است، سهمیه‌های مشخص برای زنان در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی در نظر گرفته شده است و بنا بر تعهدات ملی و بین‌المللی دولت افغانستان در پیوند به سهم زنان در کابینه و سایر پست‌های بلند دولتی، زنان در این پست‌ها حضور دارند، اما یافته‌های این بیانیه نشان می‌دهد که این مشارکت موثر و قناعت بخش نیست.

۵



اول) نادیده‌گیری حضور زنان در بحث‌های ملی و بین‌المللی

نتایج بحث‌های گروهی نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی زنان در امور مربوط به تصمیم‌گیری‌های بزرگ و رهبری حکومت وحدت ملی نه تنها افزایش نیافته، بلکه به تدریج کم‌رنگ نیز شده است. شماری از زنانی که در رده‌های مختلف رهبری حکومت کار می‌کنند، از عدم حضور شان در بحث‌های اساسی ملی و بین‌المللی، شاکی اند.

دوم) کاهش حضور زنان در ساختار رهبری حکومت وحدت ملی

در بعضی از پست‌های رهبری حکومت مانند وزرا و والی‌ها که زنان حضور

داشتند، اخیراً زنان از پست‌های شان کنار زده شده و وظایف شان به مردان واگذار شده است. از نظر تعدادی از زنان مصاحبه شده، این یک امر تکان‌دهنده است؛ زیرا حضور زنان را در رهبری حکومت بیش از پیش کاهش داده است. به گونه‌ی نمونه، رد صلاحیت شدن دو وزیر زن از سوی مجلس نمایندگان و معرفی نشدن نامزد وزیران زن به جای آن‌ها هم‌چنان، برکناری دو والی زن و جاگزینی دو والی مرد به جای آن‌ها، مایه‌ی نگرانی جدی زنان افغانستان شده است. از سوی دیگر نقش زنان در شوراهای ولایتی و سایر ساختارهای ولایات تا هنوز واضح نیست. زنان در اکثر ولایات در هیچ یک از پروسه‌های مربوط به صلح، امنیت و انکشاف، سهم ندارند.

سوم) چالش‌های امنیتی برای نامزدان و رای دهنده‌های زن

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ به دلیل افزایش نگرانی‌های امنیتی، در معرض تهدیدهای فراوان قرار دارند. این نگرانی‌ها، بیشتر از همه زنان را آماج قرار داده و حضور اندک آن‌ها را در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی پیشرو کم‌رنگ‌تر می‌سازد. زنان چه در نقش رای‌دهنده یا نامزد انتخابات و یا کارمند انتخاباتی، با چالش‌های جدی امنیتی روبه‌رو می‌شوند.

جمع‌بندی

رسیدن به رفاه، پویایی و رشد، تامین امنیت و نیز رسیدن به صلح در هر جامعه، نیازمند حضور فعال و موثر تمام شهروندان است. از آن‌جا که زنان نصف نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند، حضور موثر و تصمیم‌گیرنده‌ی آن‌ها در روند صلح، نهادهای امنیتی و عرصه‌ی سیاسی کشور، یک نیاز جدی و حیاتی است.

با توجه به جایگاه برابر زنان و مردان در قوانین ملی و بین‌المللی و نیز تعهدات

دولت افغانستان بر حضور فعال و موثر زنان در عرصه‌های یاد شده، لازم است که زنان در این عرصه حضور فعال و تصمیم‌گیرنده داشته و از حضور و مشارکت شان حمایت عملی صورت گیرد، اما چنان‌چه یافته‌های این بیانیه نشان می‌دهد، حضور زنان در این نهادها، به‌ویژه در سطح تصمیم‌گیری موثر نبوده و در بسا موارد مشکلات و چالش‌های زیادی فراراه حضور شان قرار دارد که این خود زمینه‌ی مشارکت فراگیر زنان را، محدود نموده و موانعی را فراراه شان ایجاد نموده است.

بنابراین، نیاز است تا حکومت و نهادهای بین‌المللی به خواست‌های بیانیه‌ی سیاسی زنان افغانستان، توجه و عمل بیشتر نموده و در حل این معضل مطابق به تعهدات شان برای مردم افغانستان به خصوص زنان، اقدامات جدی نمایند.

پیشنهادات

بیانیه‌ی سیاسی زنان افغانستان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی، پیشنهادهای زیر را به حکومت و وحدت ملی و نهادهای بین‌المللی پیش‌کش می‌کند.

۱. پیشنهادات به حکومت وحدت ملی

الف) مشارکت زنان در روند صلح

• حکومت باید بر اساس پلان عمل ملی برای تطبیق قطع‌نامه‌ی ۱۳۲۵، از حضور و مشارکت فعال زنان در روند صلح، به‌ویژه شورای عالی صلح و کمیته‌های ولایتی صلح عمل نموده و از افزایش نقش فعال زنان در رهبری روند صلح و

تسهیل ابتکارات در این زمینه به زنان و نهادهای فعال حقوق زن، اطمینان دهد.

• زنان عضو شورای عالی صلح و زنان متخصص در زمینه‌ی اعمار صلح در خارج از این شورا، باید در روندهای مربوط به مذاکرات، مباحثات، میانجی‌گری‌ها و گفتگوهای مربوط به روند صلح افغانستان شامل ساخته شوند.

• همکاری‌های تخنیکی و تخصصی جهت بلند بردن سطح توانایی‌های اعضای زن شورای عالی صلح در رابطه به میانجی‌گری، گفتگو، تحلیل منازعه، مذاکره و سایر موارد برنامه‌ریزی و تطبیق گردد.

• حکومت وحدت ملی در همکاری با شورای عالی صلح، باید مورد مشورتی زنان را در مطابقت با استراتژی این شورا و تعهداتی که در موقع نشر رهنمود به زنان و جامعه‌ی مدنی نموده بود، ایجاد کند.

• زنان نگرانند که دستاوردهای یک و نیم دهه‌ی پسین شان قربانی مذاکرات و گفتگوهای صلح با گروه‌های تندرو و مخالف حقوق زنان گردد، بنابراین پیشنهاد می‌شود تا زنان در گفتگوهای صلح حکومت با طالبان و دیگر گروه‌های تندرو، حضور فعال و تصمیم‌گیرنده داشته باشند.

ب) حضور زنان در نهادهای امنیتی

• حکومت باید میکانیسم مشورتی با نمایندگان نهادهای غیردولتی برای تشریح اطلاعات و رایه‌ی همکاری‌های تخنیکی برای زنان را در ساختار نیروهای امنیتی ایجاد نماید.

• وزارت‌های دفاع و داخله باید برنامه‌های گسترده‌ی ظرفیت‌سازی جهت بلند بردن توانایی‌های زنان در بخش پولیس، ارتش و امنیت در مطابقت با

مکلفیت‌های شان در برنامه‌ی عمل ملی قطع‌نامه‌ی ۱۳۲۵ راه‌اندازی نمایند.

- حکومت باید برای افزایش استخدام زنان در پولیس و ارتش، مکانیزم انگیزه‌دهی به خانواده‌ها را در نظر گیرد. این مکانیزم می‌تواند خلق انگیزه، آگاهی‌دهی، برابر دانستن وظایف زنان با مردان، حمایت‌های مالی و دیگر مساعدت‌ها باشد.

ج) مشارکت سیاسی زنان

- زنان باید بر اساس توانایی‌ها و ظرفیتهای شان برای احراز پست‌های مهم دولتی در مرکز و ولایات شناسایی و استخدام گردند. بر علاوه، از نقش زنان در تصمیم‌گیری و رهبری از طریق ایجاد برنامه‌های متمرکز به موضوعات جنسیتی در سطح دفاتر وزرا، والیان و ولسوالان نظارت و حمایت به عمل آید.
- برنامه‌ی حمایت از زنانی که در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی آینده نامزد اند، باید روی دست گرفته شود. این برنامه باید شامل تعلیمات مدنی، تامین امنیت و نیز فراهم‌سازی زمینه برای کمپاین برای زنان نامزد و نیز تشویق زنان به حضور پر رنگ در انتخابات باشد.
- افزایش حضور زنان در رهبری حکومت و سطوح تصمیم‌گیری در سطح ولایات. جامعه‌ی مدنی و سایر کنش‌گران در این حوزه، حاضر اند که در زمینه‌ی معرفی چهره‌های واجد شرایط با حکومت هم‌کاری کنند.

2- پیشنهادات به جامعه‌ی بین‌المللی

الف) از نهادهای بین‌المللی توقع می‌رود که همکاری‌های مالی و تخنیکی شان را مشروط به افزایش و سهم‌سازی فعال زنان در روند صلح، امنیت و

مشارکت سیاسی در اختیار حکومت و وحدت ملی قرار دهند.

ب) نهادهایی که به صورت مستقیم با سکتورهای امنیتی افغانستان به شمول همکاری در افزایش سهم زنان دخیل می‌باشند، باید با نهادهای غیر دولتی و جامعه‌ی مدنی در زمینه‌ی چگونگی اجرای این همکاری‌ها مشوره نموده و آن‌ها را در این برنامه‌ها دخیل سازند.

ج) از جامعه‌ی بین‌المللی تقاضا می‌شود که از نقش ناظر جامعه‌ی مدنی در راستای نظارت از تطبیق پالیسی‌های تساوی جنسیتی، به ویژه برنامه عمل ملی برای تطبیق قطع‌نامه‌ی ۱۳۲۵، استراتژی شورای عالی صلح، برنامه‌ی عمل زنان افغانستان و سایر اسناد مهم به منظور افزایش حساب‌دهی و بررسی موفقیت‌ها و هم‌چنان ایجاد شفافیت در این روندها حمایت کند.

"رسیدن به رفاه، پویایی و رشد، تامین امنیت و نیز رسیدن به صلح در هر جامعه، نیازمند حضور فعال و موثر تمام شهروندان است. از آنجا که زنان نصف نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند، حضور موثر و تصمیم‌گیرنده‌ی آنها در روند صلح، نهادهای امنیتی و عرصه‌ی سیاسی کشور، یک نیاز جدی و حیاتی است."

